روزنامه طلوع
تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۹۹ شنبه
شماره ۳۰۰۳ سال بیست‌وششم

پیامبر گرامی اسلام(ص):

بهترین اعمال نزد خدا آن است
که کسی گرسنه ای را سیر کند یا قرضش را پرداخت کند

نهج الفصاحه، ۱۳۷۰

سپاه پاسداران کازرون حامی تیم هندبال نیروی زمینی شهید شاملی است

سرویس ورزشی/ میلاد پناهی: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه پاسداران شهرستان کازرون در اردوی تیم هندبال نیروی زمینی شهید شاملی کازرون حضور یافت.

به گزارش خبرنگار ما در این دیدار که رئیس اداره اطلاعات سپاه و نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران شهرستان کازرون و تعدادی از پیشکسوتان این رشته ورزشی حضور داشتند، سرهنگ غلامرضا توکل فرمانده بسیج سپاه پاسداران شهرستان کازرون طی سخنانی ضمن گرامی داشت یاد و خاطره شهید ناصر شاملی و دیگر شهدای ورزشکار شهرستان از افتخارآفرینی‌های باشگاه نیروی زمینی شهید شاملی و کلیه بازیکنان و کادر فنی تکریم کردند و برای این تیم که در این هفته در دور پایانی لیگ برتر هندبال کشور که در تهران برگزار می‌گردد و برای دفاع از عنوان نایب‌قهرمانی خود و کسب قهرمانی لیگ برتر بازی می‌کند آرزوی موفقیت و پیروزی داشت.

سرهنگ توکل فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان کازرون و هیئت همراهش، متشکل از ریاست محترم اداره اطلاعات سپاه شهرستان کازرون سعید گرانپایه، حجت‌الاسلام محمدی نماینده ولی‌فقیه در سپاه پاسداران شهرستان کازرون و جمعی از پاسداران ورزش دوست در تمرین تیم هندبال نیرو زمینی شهید شاملی کازرون حاضر شدند و حمایت همه‌جانبه خود را از تیم‌های آقایان و بانوان شهید شاملی کازرون حاضر در لیگ برتر هندبال کشور اعلام نمودند.

سرهنگ توکل و هیئت همراه در این دیدار ضمن آرزوی موفقیت و سربلندی برای تیم هندبال نیروی زمینی شهید شاملی کازرون در قسمت آقایان و بانوان، اعلام داشتند که آماده هرگونه همکاری، همراهی و تعامل با مالک محترم باشگاه مهندس مهرتاش شاملی و مدیرعامل و تمامی مجموعه باشگاه شهید شاملی کازرون در راستای موفقیت این باشگاه هستند.

فرمانده سپاه پاسداران شهرستان کازرون پس از این دیدار صمیمی با بازیکنان، کادر فنی و عوامل تیم نیروی زمینی شهید شاملی کازرون دقایقی شاهد تمرینات تیم بود.

در این دیدار بهادر ریاضی رئیس هیئت هندبال کازرون و سرپرست اداره ورزش و جوانان شهرستان کازرون و چند تن از پیشکسوتان هندبال و ورزش کازرون حضور داشتند.

تقدیم به روح پرفتوح ((مرحوم مهرداد میناوند))
بازیکن ارزنده فوتبال کشور

قلم تاب و توان نوشتن ندارد. اما مهرداد جان! بدان از نظر مردم شریف ایران شما زنده‌اید و تا دنیا دنیاست، در یادها ماندگار و مانا خواهید بود.

بازی‌های غرورانگیز و زیبایت هنوز در ذهن و جان ما تداعی بخش خاطراتی خوش و فراموش ناشدنی است. حضورت در تیم ملی و پرسپولیس هنوز از خاطرمان نرفته است. مهرداد جان تو یکی از بهترین لژیونرهای تاریخ فوتبال ایران بودی و افسوس که هم اینقدر زود از دنیای فوتبال کنار رفتی و هم این‌چنین سریع و غریبانه از میان ما به اوج آسمان پرکشیدی.

تمامی کل کل‌هایت با هواداران و بازیکنان تیم رقیب زیبا بود. آخر فقط مهرداد میناوند می‌توانست این‌گونه کل کل کند و همچنان محبوب دل‌های سرخابی‌ها باشد. چرا که شما سرباز این مملکت بودی و در جام ملت‌های آسیا و جام جهانی هر آنچه در توان داشتی برای مردمت گذاشتی و ذره‌ای کوتاهی نکردی و برای همه اثبات شده بودی.

حیف شد که ۲ مهرداد با اخلاق و تکنیکی در فوتبال کشور هر دو در یک بازه زمانی کوتاه و در اوج جوانی از میان ما رفتند. مهرداد اولادی و مهرداد میناوند. چه دنیای بی‌رحمی. مهرداد جان اکنون آرام و آسوده در کنار بزرگان فوتبال ایران که سال‌هاست از دنیا رفته‌اند بخواب و بدان که یاد و نام تو تا ابد در قلب میلیون‌ها هوادار فوتبال کشور اعم از استقلالی و پرسپولیسی باقی خواهد ماند.

مهرداد جان از این پس هواداران پرسپولیس شماره ۲۵ را هم در کنار شماره ۲۴ مرحوم هادی نوروزی بایگانی کرده و پس از رخت بربستن این ویروس لعنتی، به احترامت در

ورزشگاه‌ها خواهند ایستاد و تشویقت خواهند کرد. چه غریبانه رفتی و صدها افسوس که سرمای زمستان و غم از دست دادن تو بدجوری هواداران فوتبال را آزار می‌دهد.

با تمام وجود دوستت خواهیم داشت و بابت تمامی زحماتی که برای فوتبال ایران در عرصه رقابت‌های آسیایی و بین‌المللی کشیدی، از شما تشکر می‌کنیم. روحت شاد و یادت گرامی مهرداد عزیز.

جهت شادی روح ایشان و تمامی درگذشتگان و اموات، فاتحه مع الصلوات.

محسن بابادی

نماینده فارس نایب قهرمان هندبال جوانان باشگاه‌های کشور

تیم هندبال شهرداری جهرم با قبول شکست در بازی پایانی رقابت‌های جوانان باشگاه‌های کشور به مقام دوم رسید.

به گزارش روابط عمومی و پایگاه خبری اداره کل ورزش و جوانان فارس، مسابقات هندبال جوانان باشگاه‌های کشور با حضور ۲۱ تیم به میزبانی شهر قم برگزار شد.

در روز پایانی این رقابت‌ها شهرداری جهرم رودرروی فراز بام خائیز دهدشت قرار گرفت و با نتیجه ۲۵ بر ۱۸ این بازی را واگذار و بر سکوی دوم این رقابت‌ها ایستاد.

در مسابقه رده‌بندی نیز ذوب‌آهن اصفهان توانست بیرثانیه ارومیه را ۳۰ بر ۲۲ شکست دهد و عنوان سومی را از آن خود کند.

سرمربی الزورا:

لیگ قهرمانان آسیا مسابقه حرفه ای هاست

سرمربی الزورا در مورد لیگ قهرمانان آسیا گفت: هیچ حریف آسانی در این رقابت‌ها وجود ندارد با این وجود لازم است که ما ابتدا به عبور از مرحله پلی‌آف و تقابل با الوحده امارات فکر کنیم.

راضی شنیشل، سرمربی الزورا در خصوص آخرین وضعیت این تیم صحبت‌هایی را انجام داده است.

به گزارش طرفداری، راضی شنیشل که یکی از مربیان باتجربه فوتبال عراق است در خصوص قرعه‌کشی لیگ قهرمانان آسیا گفت:هیچ حریف آسانی در این رقابت‌ها وجود ندارد با این وجود لازم است که ما ابتدا به عبور از مرحله پلی‌آف و تقابل با الوحده امارات فکر کنیم.

سرمربی الزورا گفت:کار بسیار سختی داریم به ویژه با توجه به تجربه اندک تیم‌های عراقی در مسابقات آسیایی، البته؛ ضمن اینکه الشرطه هم در یک گروه سخت قرار گرفته است. لیگ قهرمانان مسابقه حرفه‌ای‌ها است و تیم‌هایی که بازیکنان خارجی تأثیرگذاری در این رقابت‌ها داشته باشند می‌توانند موفق شوند و به مراحل بالاتر صعود کنند.

شنیشل گفت:تجربه مسئله مهمی است و باشگاه‌های عراقی نیاز دارند بازی‌هایی در این سطح برگزار کنند. الزورا هم برای دیدار با الوحده باید به خوبی آماده شود. الزورا عراق در صورت پیروزی در دیدار پلی آف، در مرحله گروهی و در گروه پنجم با پرسپولیس، الریان قطر و گوای هند همگروه می‌شود.

حـــــوادث

قتل سهراب با شکنجه معروف ساواک

قاتل در تهران محاکمه می شود

مرد معتاد که متهم است دوستش را با وصل کردن سیم برق به پایش به قتل رسانده بزودی محاکمه خواهد شد.

به گزارش رکنا، حدود ۲ سال قبل مأموران پلیس از پیدا شدن جسد پسر جوانی در یک خرابه باخبر شدند. نخست تصور می‌شد وی به علت مصرف زیاد مواد مخدر جان باخته است اما وقتی جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحت بررسی قرار گرفت علت مرگ برق گرفتگی عنوان شد با شناسایی هویت مقتول به نام سهراب؛ مادر وی به مأموران گفت: پسرم به مواد مخدر اعتیاد داشت و بیشتر شب‌ها به خانه نمی‌آمد.

با اینکه از اعتیاد پسرم بسیار ناراحت بودم با این حال هر وقت پول می‌خواست خودم هر طور بود به او پول می‌دادم تا مبادا به خاطر پول موادش دست به جرم و جنایت بزند. هرچه باشد فرزندم بود و الان هم درخواست دارم قاتل پسرم را شناسایی و مجازات کنید.

با شروع تحقیقات مشخص شد سهراب روز حادثه با دوستش به نام مراد قرار داشته و به خانه او رفته بود. وقتی مراد برای تحقیق و بازجویی به اداره آگاهی منتقل شد، گفت: من و سهراب سال‌ها دوست بودیم و با هم مواد می‌کشیدیم.

آن روز سهراب مقدار زیادی مواد تزریق کرده بود و حال خوبی نداشت من او را به خرابه‌ای بردم اما وقتی متوجه شدم جان باخته همانجا رهایش کردم.

در ادامه مأموران پلیس دریافتند که مراد مردی معتاد و خشن است که مدام با همسایه‌هایش درگیری داشته و بعد از مرگ سهراب نیز مادر خودش را تهدید کرده تا حرفی به پلیس نزند. اما مادر وی در بازجویی‌ها گفت: آن روز سهراب و پسرم به خانه ما آمدند و مواد کشیدند. نمی‌دانم به چه دلیل اما فکر می‌کنم سر مواد با هم درگیر شدند و بعد پسرم به پای سهراب برق وصل کرد تا او را شکنجه کند. اما سهراب جان باخت وقتی این ماجرا را دیدم با مراد دعوا کردم و گفتم سریع او را به دکتر برسان اما مرا تهدید کرد که اگر حرفی بزنم مرا هم می‌کشد.

در ادامه مرد معتاد گفته‌های مادرش را رد کرد و گفت: مادرم به خاطر اینکه معتادم از من متنفر است و بارها مرا از خانه بیرون کرده است. الان هم دروغ می‌گوید آن روز حال سهراب بد شد من هم برای اینکه حالش بهتر شود او را از خانه بیرون بردم در آن خرابه یک سیم برق افتاده بود که احتمالاً باعث مرگ او شده است وگرنه من او را نکشتم.

هرچند مراد در جلسه آخر بازپرسی و در مقام آخرین دفاع همچنان قتل را انکار کرد اما با توجه به شکایت مادر مقتول، گفته‌های مادر خودش و سایر شهود و همچنین نظریه پزشکی قانونی پرونده تکمیل و با صدور کیفرخواست برای رسیدگی به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد تا به‌زودی محاکمه شود.

خودکشی صحرا ۴۱ ساله به خاطر باختن در شرکت هرمی

مادری به نام صحرا به خاطر شرکت در بازاریابی شبکه‌ای خودکشی کرد.

به گزارش رکنا، «صحرا» نام مستعار مادری است که حدود ۴ سال شیشه مصرف می‌کرده است. او حالا حدود ۴۰ سال دارد. این مادر می‌گوید یک‌بار به‌خاطر مصرف موادمخدر تمام زندگی خود را ازدست‌داده است. بعد از ترک، راهنمای او در اِنایِ (انجمن معتادان گمنام) او را به یک شرکت بازاریابی شبکه‌ای یا هرمی معرفی می‌کند.

او که به‌خاطر مصرف در این سال‌ها ارتباط خود با خانواده را ازدست‌داده بود؛ در این کار موفق نمی‌شود. هر «نه» شنیدنی برای صحرا تبدیل به یک مشکل بزرگ می‌شود ولی راهنمای او فشار می‌آورد که باید کار را ادامه دهد.

این فشار باعث می‌شود که او ابتدا دوباره مواد مخدر مصرف کند و بعد از آن با قرص خودکشی کند. او حالا دوباره پاک شده و به جلسات انجمن معتادان گمنام می‌رود؛ ولی می‌گوید این کار راهنمای سابقش سوءاستفاده از او بوده.

من زمانی که وارد این کار شدم، تقریباً ۶ ماه بود که ترک کرده بودم. من انجمنی (اِنایِ انجمن معتادان گمنام) بودم، و پیش از ترک خسارت‌های زیادی به خودم و خانواده‌ام زدم. شما وقتی وارد انجمن می‌شوید باید یک راهنما انتخاب کنید. به کسی به‌عنوان راهنما اعتماد می‌کنیم و هر چیزی که او می‌گوید را درست می‌دانیم.

دو ماه از کار کردن من با راهنمایم گذشته بود که به من گفت با تو کار دارم. من را به یک مغازه مبلمان فروشی دعوت کردند. آقای دیگری هم آنجا بود. در آنجا توضیح دادند که کار (بازاریابی شبکه‌ای) چیست. به من گفتند تو باید دو میلیون و صد و هشتاد هزار تومان پول بدهی که صد و هشتاد هزار تومانش مالیات دولت است.

به من گفتند ۲۰۰ میلیون درآمد ماهیانه خواهی داشت

به‌ازای این دومیلیون تومان به تو کارت تخفیف می‌دهند که تو می‌توانی از آن برای خدمات درمانی و زیبایی استفاده کنی. به من گفتند این کار خیلی خوب است. تو موفق می‌شوی و به درآمد ماهیانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان می‌رسی. به من گفتند که کار سختی نیست و فقط تو باید کار را جدی بگیری.درحالی‌که راهنمای من می‌دانست که توان مالی‌ام چقدر است و حتی در حد ۱۰۰ هزار تومان هم ندارم. به من گفت حتی حق نداری با کسی مشورت کنی. من گفتم توان مالی ندارم، به من گفت تو می‌توانی، پول قرض بگیر و این پول را بده. من را از مشورت کردن هم منع کرد.

به امید اینکه بتوانم درآمد خوبی داشته باشم این کار را کردم. خانه و زندگی داشتم ولی به‌خاطر مصرف مواد همه چیز را دادم و در خانه پدرم در یک اتاق زندگی می‌کردم. با خودم فکر کردم که آدمی است که سال‌ها پاکی دارد و عقلش از من بیشتر کار می‌کند.

راهنمایم مرا از مشورت منع کرد

آمدم خانه و به ده‌ها نفر زنگ زدم تا آن پول را جور کنم. دقیقاً همان کاری که زمان مصرف برای تهیه مواد می‌کردم. تا لحظه خرید هم من را از مشورت منع کرد.

با هر بدبختی پول را جور کردم و در تاریخ ۲۰/۸ / ۹۹ ریختم به‌حساب شخصی به نام آقای ث به امید اینکه تا ماه آینده حداقل سه برابر این پول را دربیاورم.

به من گفتند برو از آی‌آر هم خرید کن که من به‌خاطر اینکه پولی نداشتم این کار را نکردم. هر روز بعد از تایم کاری خودم جلسه آموزشی می‌رفتم. یک لیدر بالایی می‌آمد حرف‌های انگیزشی می‌زد. بعد به من گفتند شبکه‌سازی کن. من گفتم چون اعتیاد داشتم با کسی ارتباط ندارم گفتند نگران نباش و شروع کن.

مثل زمان مصرفم به همه زنگ زدم تا پول جور کنم

چند بار به اطرافیانم زنگ زدم. با هر نه‌ای که اطرافیان به من می‌گفتند دنیا روی سرم خراب می‌شد. وقتی به راهنمایم می‌گفتم پاسخ می‌داد این ترس تو است و باید به آن غلبه کنی. خانواده‌ام هم به این کار موضع داشتند. درحالی‌که به آنها نگفته بودم این پول را از کجا آورده‌ام. کار به جایی رسید که من لغزش (مصرف دوباره مواد) کردم. اوضاع مالی‌ام بسیار بد شده بود. همه درآمدم را به بدهی‌ها می‌دادم. این مشکل مالی یک بار روی دوشم بود و لغزش هم بار دیگری روی دوشم شده بود. من حاضرم تمام زندگی‌ام را بدهم تا سالم باشم. آن هم به‌خاطر پسر ۱۸ ساله‌ام. تصورم این بود که جایی کار می‌کنم که زندگی‌ام را بسازم.

ذهنیتم را نسبت به انجمن منفی کردند

ذهنیت من نسبت به راهنما و انجمن بد شد. دوهفته بعد از اینکه وارد این کار شدم لغزش کردم. بعد از چهار سال مصرف (شیشه) ۶ ماه پاک شده بودم که با ورود به این کار لغزش کردم.

همه اینها باعث شد که علاوه بر لغزش (مصرف دوباره مواد) یک شب با خوردن تعداد زیادی قرص خودکشی کنم. وقتی مادرم و شوهرخواهرم من را بیمارستان بردند حالم بد بود. کارم این شده بود که هر شب در اتاقم گریه کنم که چرا من این کار را شروع کردم. چرا با چند نفر مشورت نکردم و بیشتر اینکه چرا به راهنمایم اعتماد کردم. نسبت به انجمن بدبین شدم. مجبور شدم به مادرم که تنها دلخوشی‌اش پاکی من بود اقرار کنم. وقتی گریه می‌کرد خسارت بزرگی به من خورد. ولی دوباره یکی از آشناها و آقای قربانی که صاحب‌کارم است خیلی با من حرف زد که به‌خاطر یک نفر انجمن را کنار نگذار.

هنوز هم به من فشار می‌آورند

ولی با زنگ زدن و پیگیری‌هایی که می‌کنند دوباره به من فشار وارد می‌کنند. همین دیشب یکی از لیدر بالایی‌ها به همراه راهنمای سابقم دم در خانه ما آمدند. من را داخل ماشین بردند. کلی برایم حرف زدند که چرا خسته شده‌ای و نمی‌آیی؟ گفتم من طاقت نه شنیدن ندارم...

فقط می‌خواهم بگویم که اگر واقعاً نیت انجمن این است که آدم‌ها سالم زندگی کنند، اگر قرار است یک آدم تازه‌وارد به یک راهنما اعتماد کند، آن راهنما باید درست زندگی‌کردن را یاد بدهد. به ما می‌گویند تا یک‌سالگی نباید کار مهمی در زندگی کنی، انتخاب کار مهم نبود؟ نباید آن راهنما برای منافع شخصی خودش به بقیه آسیب بزند.

شهادت یک مرزبان در درگیری با قاچاقچیان در آبهای قشم

معاون اجتماعی فرماندهی مرزبانی هرمزگان از درگیری مرزبانان با قاچاقچیان در مرزهای آبی شهرستان قشم و شهادت یک مرزبان در این درگیری خبر داد.

به گزارش مشرق؛ سید مرتضی اولاد علی اظهار کرد: در درگیری مرزبانان پایگاه دریابانی قشم با قاچاقچیان یکی از مرزبانان این شهرستان به نام استوار یکم حسن واعظی تختی به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

وی بیان داشت: در راستای مبارزه با قاچاق، اکیپ گشت دریایی پایگاه دریابانی قشم حین گشت زنی در مرزهای آبی این شهرستان با تعداد زیادی شناور حامل کالای ممنوعه و قاچاق که به صورت گروهی درحال حرکت به سمت نوار مرزی بودند، برخورد کردند.

به گفته معاون اجتماعی مرزبانی هرمزگان، مرزبانان با مشاهده قاچاقچیان دستور توقف شناورها را دادند که یک فروند از شناورهای قاچاقچیان با نیت صدمه زدن به شناور سازمانی حمله ور شد که در اثر برخورد شناور قاچاقچیان با شناور سازمانی، یکی از مرزبانان به نام استواریکم حسن واعظی تختی به دلیل برخورد شدید به درجه رفیع شهادت نائل شد.

زن و شوهر تهرانی در خانه همسایه میلیاردر شدند

زن و شوهر جوان که از خانه همسایه‌شان ۸ میلیارد ریال طلا، سرقت کرده بودند دستگیر شدند.

به گزارش گروه حوادث رکنا، سرهنگ کارآگاه سعید مجیدی رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی گفت: اواخر آذرماه پرونده‌ای با موضوع سرقت خانه از کلانتری ۱۰۲ پاسداران همراه دو متهم که زن وشوهر بودند، برای رسیدگی تخصصی به پایگاه چهارم پلیس آگاهی ارجاع شد.

وی عنوان کرد: کارآگاهان با بررسی میدانی صحنه جرم موفق می‌شوند رد پای هر دو متهم را در محل سرقت کشف کنند و با توجه به سرنخ‌های بدست آمده از متهمان بازجویی کرده که چاره‌ای جزء اعتراف نداشتند و به سرقت طلاهای شاکی به ارزش ۸ میلیارد ریال معترف شدند.

رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران ابراز داشت: مرد همسایه در بازجوئی‌های اولیه معترف شد، ارتباط خانوادگی با شاکی داشتیم و از وضعیت مالی آن‌ها نیز با خبر بودیم تا اینکه روزی همسرم که به منزل شاکی رفته بود متوجه می‌شود که همسر شاکی طلاهای خود را کجا مخفی می‌کند و با بیان موضوع با من نقشه سرقت را ترتیب دادم و قرار شد در ملاقات بعدی کلید خانه آنها را ربوده و در فرصت مناسب طلاها را سرقت کنیم. این مقام انتظامی تصریح کرد: همچنین متهم در ادامه بازجویی اعلام داشت، پس از سرقت طلاهای شاکی، آن را در بازار تهران به یک دلال فروختیم و آدرس و شماره‌ای از او نداریم. سرهنگ مجیدی ادامه داد: کارآگاهان این پایگاه با بکارگیری شیوه‌های نوین کشف جرم، محل اختفاء مالخر به نام رحمت را شناسایی و طی یک عملیات غافلگیرانه دستگیر و در بازرسی از محل اختفاء وی مقداری از طلاجات سرقتی کشف شد.